



افشار حقوقی

سه‌شنبه ۶ شهریور ماه ۱۴۰۳ | سال دوم | شماره ۷۲ | قیمت: ۵/۰۰۰ تومان

گفتگو با مدیرمسئول

اشخاص کثیرالپرونده کدامند؟

شناسائی افراد کثیرالپرونده موجب صیانت از حقوق مردم و کاهش پرونده‌های قضایی می‌شود؟

منصور مظفری مدیرمسئول هفته‌نامه آفتاب حقوقی در شماره قبلی این هفته‌نامه ضمن دادخواهی از ریاست عدلیه خواستار شده بود در کنار پرونده‌های کثیرالشاکی افراد کثیرالپرونده نیز شناسائی شوند تا از حقوق مردم صیانت گردد. در این باره گفتگویی با منصور مظفری انجام شده که در ادامه می‌آید:



سوال: منظور شما به عنوان وکیل پایه یک دادگستری در خصوص افراد کثیرالپرونده که در شماره قبلی آفتاب حقوقی به آن اشاره شده بود چیست؟

منظور از افراد کثیرالپرونده این است که برخی افراد از اشخاص حقیقی و حقوقی در دستگاه قضایی طرح دعوا اعم از حقوقی یا کیفری می‌کنند و این افراد نسبت به دعوایی که طرح می‌کنند خودشان را محق می‌دانند و می‌توان گفت در اکثر این پرونده‌ها به نفع خود رأی هم می‌گیرند. رأی گرفتن آنان چون پرونده‌ها بصورت جداگانه در حوزه‌های قضایی مختلف و شعبات متعدد بررسی می‌گردد از نظر قانونی مشکل ندارد و می‌توان گفت آراء صحیح هم صادر می‌گردد. اما اگر این اشخاص شناسائی شوند و پرونده‌هایی که موضوعات آنها مشابه است مورد رسیدگی قرار گیرد و منشاء دعاوی بررسی شود چه بسا به جای محکوم له محکوم علیه قرار گیرند.

سوال: می‌شود برای آن مثالی بیاورید تا برای عموم بهتر تبیین شود؟

افرادی در جامعه هستند که با تبلیغات‌های فریبنده و تشکیل شرکت کاغذی که متأسفانه می‌شود با چند هزار تومان شرکت به ثبت رساند در شرایط خاص اقتصادی که مردم گرفتار می‌باشند اعلام می‌کنند از طریق سیستم بانکی و نهادهای دولتی برای شما تسهیلات (وام) با بهره پایین فراهم می‌کنیم. و فقط کافی است با ما تماس بگیرید.

ادامه در صفحه ۶

جهانی‌زدایی مالی با سیاست‌های «همسایه خود را گدا کن»

(۲) موانع تجاری (trade Barriers):

اجرای تعرفه‌ها (tariffs) یا سهمیه‌ها (quotas) می‌تواند از صنایع داخلی در برابر رقابت خارجی محافظت کند؛ اما ممکن است به اقدامات تلافی‌جویانه (retaliatory measures) از سوی سایر کشورها منجر شود و در نهایت به تجارت جهانی آسیب برساند.

دکتر فرشید فرحناکیان
عضو هیئت‌مدیره
کانون وکلای مرکز



جهانی‌زدایی مالی (financial deglobalization) به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن کشورها و سیستم‌های مالی سطح یکپارچگی اقتصادی و وابستگی متقابل خود را کاهش می‌دهند. این امر می‌تواند از طریق مکانیسم‌های مختلفی مانند افزایش موانع تجاری (trade barriers)، محدود کردن جریان سرمایه (capital flows) یا ترجیح دادن سرمایه‌گذاری‌های داخلی به سرمایه‌گذاری خارجی رخ دهد.

عوامل کلیدی محرک جهانی‌زدایی مالی عبارتند از:

(۱) تنش‌های ژئوپلیتیکی (geopolitical tensions): افزایش تنش‌های سیاسی و اقتصادی بین قدرت‌های بزرگ می‌تواند کشورها را به تجدیدنظر در روابط مالی خود و کاهش اتکا به بازارهای بین‌المللی سوق دهد.

(۲) ملی‌گرایی اقتصادی (economic nationalism): دولت‌ها ممکن است صنایع و مشاغل داخلی را بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی اولویت دهند که منجر به سیاست‌هایی می‌شود که دخالت خارجی در اقتصاد آن‌ها را محدود می‌کند.

(۳) تغییرات تنظیم‌گری (regulatory changes): مقررات پیشرفته (enhanced regulations) و الزامات انطباق (compliance requirements) با آن‌ها می‌تواند تراکشن‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مالی برون‌مرزی را متوقف کند.

(۴) پیشرفت‌های تکنولوژیکی (technological advances): فناوری‌های جدید مانند بلاک چین و ارزهای دیجیتال می‌توانند سیستم‌های مالی سنتی را تغییر دهند و نیاز به واسطه‌های مالی جهانی (global financial intermediaries) را کاهش دهند.

تأثیر جهانی‌زدایی مالی می‌تواند پیچیده باشد. ممکن است به افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی محلی (local economic resilience) منجر شود؛ اما همچنین می‌تواند فرصت‌های رشد و کارایی را که از یکپارچگی مالی جهانی ناشی می‌شود، کاهش دهد. «همسایه خود را گدا کن» (beggar thy neighbor) یک رویکرد سیاست اقتصادی (economic policy approach) است که در آن یک کشور به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی خود به قیمت از دست دادن دیگران است. این اصطلاح اغلب در زمینه روابط تجاری و اقتصادی بین‌المللی استفاده می‌شود. نمونه‌های رایج عبارتند از:

(۱) کاهش ارزش پول (currency devaluation): یک کشور ممکن است ارزش پول خود را کاهش دهد تا صادرات خود را در خارج از کشور ارزان‌تر و رقابتی‌تر کند و در نتیجه اقتصاد خود را تقویت کند درحالی‌که به‌طور بالقوه به اقتصاد شرکای تجاری آسیب می‌رساند.



(۳) یارانه صادراتی (export subsidies): اعطای یارانه به صنایع داخلی می‌تواند صادرات یک کشور را در بازار جهانی ارزان‌تر کند و رقابت خارجی را متضرر کند. اعمال این قبیل این سیاست‌ها می‌تواند منجر به جنگ‌های تجاری و کاهش همکاری‌های اقتصادی جهانی شود که به‌طور بالقوه منجر به کاهش رشد اقتصادی کلی و افزایش بی‌ثباتی جهانی می‌شود. رویکرد سیاست «همسایه خود را گدا کن» می‌تواند به چندین پیامد منفی منجر شود؛ از جمله:

(۱) جنگ تجاری (trade wars): کشورها ممکن است با تدابیر محدودکننده (restrictive measures) خود مقابله با این سیاست را تلافی کنند، تنش‌ها را تشدید کرده و منجر به جنگ تجاری شود. این می‌تواند تجارت بین‌المللی و زنجیره تأمین (supply chains) را مختل کند.

(۲) بی‌ثباتی اقتصادی (economic instability): اثرات موجی (ripple effects) چنین سیاست‌هایی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اقتصادی گسترده‌تر شود. به‌عنوان مثال، کاهش ارزش پول می‌تواند باعث نوسانات (volatility) در بازارهای مالی جهانی شود.

(۳) کاهش رشد جهانی (reduced global growth): درحالی‌که یک کشور ممکن است شاهد دستاوردهای کوتاه‌مدت باشد، رشد کلی اقتصاد جهانی می‌تواند به دلیل کاهش تجارت و سرمایه‌گذاری آسیب ببیند.

(۴) ناکارآمدی‌ها (inefficiencies): صنایع داخلی که توسط موانع تجاری محافظت می‌شوند ممکن است انگیزه‌ای برای نوآوری یا بهبود کارایی نداشته باشند که منجر به رکود (stagnation) اقتصادی طولانی‌مدت می‌شود.

(۵) افزایش هزینه‌ها (increased costs): مصرف‌کنندگان ممکن است به دلیل تعرفه‌ها یا کاهش رقابت باقیمت‌های بالاتر مواجه شوند که بر قدرت خرید و رفاه کلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

(۶) فشار دیپلماتیک (diplomatic strain): اختلافات تجاری و اقدامات اقتصادی می‌تواند روابط بین‌المللی را تحت‌فشار قرار دهد و همکاری در سایر موضوعات جهانی را کاهش دهد.

ادامه در صفحه ۲



دکتر فرشید فرحناکیان
عضو هیئت‌مدیره
کانون وکلای مرکز



جهانی‌زدایی مالی با سیاست‌های «همسایه خود را گداکن»

ادامه از صفحه اول:

جوزف استیگلیتز و دنی رودریک در مقاله‌ای که مارس ۲۰۲۴ (فروردین ۱۴۰۳) در پایگاه اینترنتی دانشگاه‌هاروارد منتشر شده نوشته‌اند که یک درس اساسی در علم اقتصاد برای بیش از دو‌ست سال، این بود که کاهش موانع تجاری (با ایجاد تخصص بیشتر و استفاده از مزیت نسبی) عاملی برای افزایش استانداردهای زندگی است؛ و اینکه دانش تولیدشده در یک کشور می‌تواند برای کل جهان مفید باشد. درحالی‌که بسیاری خواستار حکمرانی جهانی هستند، در واقعیت، ما در دنیایی با همکاری جهانی محدود زندگی می‌کنیم. سیاست‌ها توسط سیاستمداران داخلی و بر اساس «منافع ملی» (national interest) تعیین می‌شوند. همچنان محور اصلی سیاست، دولت - ملت‌ها هستند. علاوه بر این، برخی از انواع حکمرانی جهانی می‌توانند نتیجه معکوس داشته و به جای پرداختن به چالش مشترک، به کشورهای قدرتمند یا منافع ویژه آن‌ها امتیاز دهند. این در حالی است که نباید بیش‌ازحد، از نهادهای جهانی مطالبه کنیم یا شاید می‌توان و باید چیزهای زیادی بخواهیم، اما باید آن‌ها را آرزوها و ایدئال‌ها بدانیم. یک برنامه جهانی محدودتر و کمتر جاه‌طلبانه ممکن است ترجیح داده شود. آن‌ها در این نوشتار خود چارچوبی برای معماری مینیمالیستی حداقلی حکمرانی جهانی (minimal global governance architecture) ارائه کرده‌اند.

انظر جوزف استیگلیتز و دنی رودریک در این مقاله یک معماری حداقلی برای حاکمیت جهانی باید مبتنی بر اساس اصول زیر باشد: به‌عنوان اصل اول، به‌طور کلی قوانین بین‌المللی باید به کشورها اجازه دهند که هر کاری می‌خواهند انجام دهند، البته تا زمانی که صراحتاً سیاست «همسایه‌ات را فقیر کن» را در پیش نگرفته باشند یا کشورهایی که به لحاظ سیستمی، بزرگ هستند، هزینه‌های قابل‌توجهی را بر کشورهای فقیر تحمیل نکنند. جالب است که چگونه بسیاری از مفاد موافقت‌نامه‌های جهانی این اصل را نقض می‌کنند: معمولاً رفتار کشورهای کوچک در حال توسعه تأثیری بر اقتصاد جهانی ندارد، اما دقیقاً به دلیل اینکه کوچک و ضعیف هستند بیشترین تأثیر را از توافقات بین‌المللی دریافت می‌کنند. این کشورها ممکن است دست به اقداماتی بزنند که غرب، آن را احقرانه می‌داند؛ اما باین‌حال این کشورها عواقب آن را تحمل خواهند کرد و هیچ توجیه و توضیحی، آن‌ها را مجبور به تغییر راهشان نمی‌کند. امروزه مشخص شده که بسیاری از سیاست‌های اعمال‌شده بر این کشورها ناکارآمد بوده و یا حتی نتیجه معکوس داده است. نظم بخشیدن به همه سیاست‌های ملی که سرریزهای فرامرزی دارند برای حکمرانی جهانی غیرعملی و نامطلوب خواهد بود. به‌عنوان مثال، کشوری که بیشتر در آموزش سرمایه‌گذاری کرده و در نتیجه مزیت نسبی خود را در کالاهای مهارت محور افزایش می‌دهد به منافع اقتصادی دیگر کشورهایی که در چنین کالاهایی با آن رقابت می‌کنند، آسیب می‌رساند. عاقلانه نیست که به بوروکرات‌های بین‌المللی یا سایر کشورها اجازه دهیم که در مورد توجیه این نوع سیاست‌ها تصمیم بگیرند.

از این‌رو، اصل اول، برای اکثر کشورها پیش‌فرض نظم بین‌المللی را به سیاست‌هایی محدود می‌کند که ماهیت «همسایه‌ات را فقیر کن» دارند. این سیاست‌ها با تحمیل هزینه‌هایی بر کشورهای خارجی، مزایایی را در داخل کشور ایجاد می‌کنند. منافع مستقیم این سیاست‌ها، نتیجه مستقیم آن آسیب‌ها است. اعمال تعرفه‌های وارداتی یا محدودیت‌های صادراتی، کاهش ارزش‌های رقابتی در شرایط بیکاری و یا کسب سود از طریق بهشت‌های مالیاتی نمونه‌هایی از این سیاست‌ها هستند.

روحیه تعاونی بیشتر منجر می‌شود و در مقابل، سرمایه‌داری نئولیبرال با تأکید بر پیگیری منفعت شخصی ممکن است افراد خودخواه بیشتری را ایجاد کند.

دنی رودریک و استفان والت در مقاله‌ای که ژوئن ۲۰۲۴ (خرداد ۱۴۰۳) در مجله بررسی سیاست اقتصادی آکسفورد منتشر شده، نوشته‌اند که در روابط اقتصادی، هنجارهای غیررسمی علیه آنچه اقتصاددانان «سیاست‌های همسایه‌ات را فقیر کن» می‌خوانند وجود دارد. این‌ها به‌عنوان سیاست‌هایی که به دنبال افزایش رفاه اقتصادی داخلی به قیمت عدم رفاه سایر کشورها هستند تعریف می‌شوند. مفهوم کلیدی در اینجا این است که منفعت داخلی کشور به قیمت ضرر سایر کشورها به انجام رسد. برخلاف دیگر سیاست‌های داخلی که ممکن است عواقب منفی برای دیگران به همراه داشته باشد، «سیاست همسایه‌ات را فقیر کن» تنها به‌اندازه‌ای که سایر کشورها ضرر کنند، منافع داخلی ایجاد می‌کند.

اصطلاح «همسایه‌ات را فقیر کن» گاهی برای توصیف همه سیاست‌هایی به کار می‌رود که اثرات نامطلوب بر سایر کشورها دارد. دنی رودریک و استفان والت از آن به معنای محدودتر استفاده می‌کنند و برای اعمالی که در آن منافع داخلی موردنظر نتیجه مستقیم آسیب‌هایی است که بر دیگران تحمیل می‌شود؛ در صورتی که این مزایا در غیاب آسیب‌های فرامرزی ایجاد نمی‌شوند، مورد استفاده قرار می‌دهند. بسیاری از سیاست‌های داخلی بدون اینکه طبق تعریف ما به معنای «همسایه‌ات را فقیر کن» باشند، سرریزهای منفی برون‌مرزی ایجاد می‌کنند. ایجاد این تمایز ضروری است؛ زیرا در غیر این صورت، محدوده سیاست‌های «همسایه‌ات را فقیر کن» به‌طور حتمی گسترده خواهد شد.

برای ایجاد یک خط واضح‌تر برای تعیین حریم اقدامات ممنوعه، ممکن است روشن شدن اینکه «همسایه‌ات را فقیر کن» چیست و تمایز آن از انواع دیگر سیاست‌هایی که سرریزهای فرامرزی نیز ایجاد می‌کند کمک‌کننده باشد. به‌عنوان مثال، زمانی که یک دولت اعتبارات مالیاتی سرمایه‌گذاری را برای تحقیق و توسعه ارائه می‌کند، این موضوع ممکن است مزیت نسبی کشور را در بازارهای جهانی در فناوری‌های پیشرفته تقویت کند و به رقبای خارجی به‌عنوان آن آسیب برساند؛ اما چنین سیاستی معمولاً سیاست «همسایه‌ات را فقیر کن» تلقی نمی‌شود؛ زیرا هدف آسیب رساندن به تولیدکنندگان خارجی نیست و دولت آن را دنبال می‌کند حتی اگر هیچ کشور خارجی تحت تأثیر نامطلوب آن اثر قرار نگیرد. در مقابل، محدودیت صادراتی که توسط یک کشور به‌منظور بهره‌برداری از قدرت بازار خود در بازارهای جهانی اعمال می‌شود؛ مانند محدودیت‌های چین بر مواد معدنی کمیاب در اوایل دهه ۲۰۰۰ یا محدودیت‌های بایدن در مورد نیمه‌هادی‌های پیشرفته، موارد واضح سیاست «همسایه‌ات را فقیر کن» هستند. این به این دلیل است که منافعی که به اقتصاد داخلی می‌رسد، مستقیماً ضررهای (شرایط تجاری) واردشده بر سایر کشورها است. بدون ضرر تحمیل‌شده بر کشورهای دیگر، هیچ عایدی داخلی وجود نخواهد داشت. با توجه به ماهیت مخرب آن‌ها، دولت‌ها ممکن است تمایل داشته باشند اصولاً سیاست‌های «همسایه‌ات را فقیر کن» را ممنوع کنند

ادامه در صفحه بعد ➔

در مورد کشورهایی که سیاست‌هایشان اثر نامتناسبی بر زمینه‌های پولی، مالی، نظارتی یا تجاری جهانی دارد اما باید با درجه بالاتری از مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری مواجه شوند. باین‌حال با توجه به استدلال‌های واقع‌گرای سیاسی، چنین پاسخگویی‌ای بعید به نظر می‌رسد. این کشورهای دارای اهمیت سیستماتیک باید برخی نظارت‌های جهانی بر سیاست‌های خود که اثرات نامطلوب و مهمی بر چشم‌انداز اقتصادی کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارد را بپذیرند. البته تأکید می‌کنند که مشخص کردن «نیت» دشوار است. برای مثال، کشورها ممکن است نرخ‌های بهره را به‌قصد تحریک اقتصاد خود کاهش دهند. مکانیسمی که در نتیجه این تصمیم رخ خواهد داد کاهش نرخ ارز است خواه آن‌ها از این موضوع آگاه باشند یا نه و خواه آن را بپذیرند یا ن بپذیرند. در داخل کشورها اقداماتی تنظیم می‌شوند که به دیگران آسیب می‌رسانند. نیت‌ها هیچ نقشی ندارند. فقط اثرات اعمال است که مهم است. یک حکومت جهانی گسترده‌تر تلاش دارد تا به‌طور کلی‌تر به عوامل خارجی بپردازد.

اصل دوم بر این نکته تمرکز دارد که تفاوت‌های مشخصی بین کشورها وجود دارد و در قسمت شرایط هر توافق بین‌المللی، این تفاوت‌ها باید منعکس شوند. این تفاوت‌ها ممکن است از ترجیحات ملی، شرایط تاریخی یا اقتصادی مختلف ناشی شوند. برای مثال، مقررات مالی به دنبال توازن بین ارتقای نوآوری مالی و تضمین ثبات مالی است. زمانی که کشورها دیدگاه‌های متفاوتی در مورد «مرز و حد بهینه» این توازن دارند، تنظیم میزانی به‌عنوان مقدار هماهنگ جهانی مقررات مالی ممکن است برای برخی غیربهینه باشد. به طریق مشابه، چارچوب مالکیت فکری مناسب برای ایالات‌متحده، احتمالاً برای یک کشور در حال توسعه مناسب نخواهد بود.

سومین اصل کلی این است که توافقات جهانی نه‌تنها با کارایی جهانی، بلکه با عدالت جهانی نیز باید سازگار باشند. تمرکز بر کالاهای عمومی جهانی، پرهیز از فقیرسازی همسایه و توجه به تفاوت‌های بین کشورها کافی نیست. برای مثال پرداختن به تغییرات آب‌وهوایی یا سلامت جهانی، نیاز به منابع قابل‌توجهی دارد. نباید از ملت‌های فقیرتر خواست که بیش از سهم منصفانه خود بپردازند. سیاست‌های کشورهای بزرگی مانند ایالات‌متحده می‌تواند اثرات نامطلوب قابل‌توجهی بر کشورهای در حال توسعه داشته باشد. این کشورها بایستی سیاست‌های خود را با توجه به سرریزهای منفی تدوین کنند.

اصل چهارم که بدان توجه می‌کنند این است که اقدامات اقتصادی، پیامدهای اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای دارند که باید در نظر گرفته شوند. اقتصاد خارج از جامعه نیست. اقدامات بین‌المللی اقتصادی می‌تواند اثرات بازتوزیع بین گروه‌های درآمدی یا مناطق ایجاد کند که توانایی بروز پیامدهای غیرقابل‌پیش‌بینی دارد. محدودیت‌هایی که بر آزادی عمل سیاست‌گذاران ملی وجود دارد مسئولیت‌پذیری سیاسی را تضعیف کرده و با برانگیختن واکنش منفی علیه رهبران جریان اصلی سیاسی، حمایت از پوپولیست‌های راست‌گرا و مستبد را افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثال، آزادسازی جریان سرمایه و اجازه به جریان آزاد پول در داخل و خارج از یک کشور، نه‌تنها پیامدهای مالی و اقتصادی بزرگ و بالقوه نامطلوبی دارد، بلکه پیامدهای سیاسی نیز دارد. وال‌استریت می‌تواند تهدید کند که اگر فردی خاص انتخاب نشود پول خود را از آن کشور خارج خواهد کرد. این فقط یک امکان و یا تئوری نیست و در انتخابات ریاست جمهوری برزیل اتفاق افتاده است. همچنین، نظم اقتصادی می‌تواند افراد و نظم اجتماعی را نیز شکل دهد: جامعه‌ای که در آن تعاونی‌ها نقش مهم‌تری دارند به افرادی با

رنگ سفید: یعنی صادرکننده چک هیچگونه سابقه چک برگشتی ندارد؛ رنگ زرد: یعنی صادرکننده تنها یک فقره چک برگشتی بنامش ثبت شده است؛ رنگ نارنجی: یعنی صادرکننده دارای ۲ الی ۴ فقره چک برگشتی می‌باشد یا حداقل ۲۰ میلیون تومان تعهد بازپرداخت به بانک دارد؛ وضعیت قهوه ای: یعنی صادرکننده ۵ الی ۱۰ فقره چک برگشتی داشته است؛ و در نهایت رنگ قرمز: که نشان دهنده ی این است که صادرکننده چک بیش از ۱۰ فقره چک برگشتی دارد یا باید بیش از ۵۰ میلیون تومان به بانک بازگرداند.

حقوق عامه

سه‌شنبه ۶ شهریور ماه ۱۴۰۳ • سال دوم • شماره ۷۲

مسئولیت شهرداری در خصوص حوادث رانندگی ناشی از سگ‌های ولگرد

شهرداری تکلیف مراقبت از شهروندان در قبال صدمات سگ‌های ولگرد در محدوده شهر را عهده دار می‌باشد و چون نامبرده طرف دعوا قرار نگرفته است. تا محکمه با لحاظ دفاعیات وی در مقام احراز تقصیرش برآید نمی‌توان بیمه گر و یا صندوق را به پرداخت خسارت ملزم نمود.

شماره دادنامه * ۱۷+۱,۴۰۲۱۲۳۹۰۰۰E...

تاریخ دادنامه ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

شعبه ... دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ...

قاضی محسن کیهان

راجع به دعوای خواهان آقای د. ا. فرزند و. با وکالت م. ش. به خواسته‌های: الف) الزام به ایفای تعهد مطابق بیمه نامه شخص ثالث و حوادث راننده به شماره بیمه ۰۰۰۰۰۹/۰۱/۳۱۴۸۰۸۶ ب) مبنی بر پرداخت غرامت و خسارت متعلقه بابت صدمات و جراحات وارده ناشی از تصادف به شرح نظریه پزشک قانونی و ب) مطالبه خسارت تاخیر تادیه از زمان مطالبه از طریق دادگاه کیفری لغایت اجرای حکم به انضمام خسارات دادرسی علیه: ۱) سازمان * با نمایندگی م. پ. و ۲) سازمان * با وکالت م. ر. ب.؛ دادگاه با توجه به محتویات اوراق پرونده، ملاحظه دادخواست تقدیمی، اظهارات خواهان به شرح دادخواست تقدیمی، اظهارات و مدافعات متداعیین، وکلا و نمایندگان ایشان در جلسه ی دادرسی؛ با در نظر داشت این موضوع که اولاً به تصریح تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه گر بر عهده شورای عالی بیمه است. و حسب مصوبه شورای مذکور: خسارات بدنی وارده به اشخاص

ادامه از صفحه قبل

درحالی‌که بحث در مورد اینکه آیا یک اقدام خاص به آن دسته تعلق دارد یا خیر را به تعویق اندازند. در عمل ممکن است اختلافات ناشی از دلایل مشروع یا فرصت‌طلبانه باشد. ایالات‌متحده ممکن است برخی از سیاست‌های صنعتی چین را به‌عنوان تلاش‌های «همسایهات را فقیر کن» برای تصاحب سهم بازار شرکت‌های خارجی که کارآمدتر هستند قلمداد کند، درحالی‌که چین از این اقدامات به‌عنوان سیاست‌های توسعه‌ای با هدف تحریک رشد اقتصادی داخلی دفاع می‌کند. یا ممکن است ایالات‌متحده از اعمال محدودیت‌های صادراتی خود بر روی نیمه‌های پیشرفته دفاع کند و بیان کند که این موضوع برای امنیت ملی خود حیاتی است. چارچوب پیشنهادی دنی رودریک و استفان والت اما مدعی است که در اینجا واژگانی مفهومی برای بحث در مورد اینکه آیا چنین سیاست‌هایی (یعنی همسایهات را فقیر کن) فی‌نفسه مشکل‌ساز هستند یا خیر فراهم می‌کند و در نتیجه، سیاست‌های آشکار «همسایهات را فقیر کن» که نمی‌توان آن‌ها را به دلیل منافع توسعه‌ای یا امنیت ملی توجیه کرد، تا حدی بدنام می‌شوند؛ اعمال آن‌ها، هزینه‌های اعتباری را به دنبال خواهد داشت، سرمایه‌های مذاکره‌ای آن دولت را تضعیف می‌کند و موجب محکوم شدن توسط سایر دولت‌ها، شرکت‌های خصوصی و جوامع حرفه‌ای حقوقی و اقتصادی می‌شود.

پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و زمانی که فدرال رزرو برنامه تسهیل کمی خود را آغاز کرد، متهم به تشویق جریان‌های سفته‌بازی به سمت اقتصادهای نوظهور و درحال توسعه و زمینه‌سازی برای بحاب‌های دارایی شد. حال که برای مقابله با افزایش قیمت‌ها در داخل کشور نرخ‌های بهره

ثالثی که در قسمت‌هایی از وسیله نقلیه مستقر شده باشند که برای استقرار انسان تعبیه نشده است. و نیز خسارات بدنی وارده به اشخاص ثالث ایرانی توسط وسایل نقلیه ایرانی در خارج از کشور، خارج از شمول تعهدات بیمه گر می‌باشد. ودر مانحن فیه خسارت موضوع دعوی در زمره موارد احصایی مذکور نمی‌باشد. و ثانیاً اگر چه بر اثر رانندگی خواهان با موتور سیکلت در محدوده شهر و ورود ناگهانی سگ از قسمت حاشیه راه به سطح سواره رو راکب موتور سیکلت سقوط و دچار مصدومیت گردیده است. لیکن چون شهرداری تکلیف مراقبت از شهروندان در قبال صدمات سگ‌های ولگرد در محدوده شهر را عهده دار می‌باشد. به تصریح ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری ترک فعل واحد شهرداری در وقوع حادثه رانندگی موثر بوده است. و چون نامبرده طرف دعوا قرار نگرفته است. تا محکمه با لحاظ دفاعیات وی در مقام احراز تقصیرش برآید نمی‌توان بیمه گر و یا صندوق را به پرداخت خسارت ملزم نمود. بر این بنیاد، چون مادامی‌که تقصیر واحد شهرداری به موجب حکم محکمه به اثبات نرسیده است. به عبارتی دیگر فعل زیان بار با لحاظ دفاعیات شهرداری به اثبات نرسیده است. ولو با فرض ورود ضرر و برقرار ی رابطه استناد میان فعل زیان بار و ضرر وارده، دعوای مطروحه به کیفیت یاد شده قابلیت استماع نداشته به تجویز ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوا صادر و اعلام می‌گردد. قرار محکمه ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر می‌باشد.

رییس شعبه * م. ک.

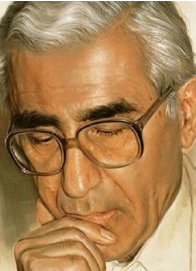
را افزایش می‌دهد منتقدان فدرال رزرو را مسئول صادرات تورم و بی‌ثباتی مالی از طریق جذب سرمایه به ایالات‌متحده می‌دانند. در هر دو مورد ایالات‌متحده موردانتقاد قرار گرفته که تنها در جهت منافع شخصی خود عمل می‌کند، حتی اگر این به معنای مجبور کردن سایر کشورها به اتخاذ «سیاست‌های همسایهات را فقیر کن» (beggar-thy-neighbor policies) باشد.

بنابراین، فدرال رزرو چه سیاست‌های پولی انبساطی را در پیش گیرد، چه سیاست پولی انقباضی را اعمال کند ملعون است. اما حقیقت ناراحت‌کننده این است که کشورهای سراسر جهان تصمیم گرفتند اقتصاد خود را به روی جریان سرمایه باز کرده و بدین ترتیب خود را نه‌تنها در معرض سیاست پولی ایالات‌متحده بلکه در معرض بی‌ثباتی مالی خارجی و نهادهایی که آن را کنترل می‌کنند، قرار دادند. آن‌ها با واگذاری قدرت که اغلب در راستای منافع نخبگان داخلی است، خود را باکامل میل آسیب‌پذیر کردند.

به‌طورکلی به نظر می‌رسد که جهان فراموش کرده که مالی سازی بیش‌ازحد مسئول برخی از بدترین بحران‌های اقتصادی در چهار دهه اخیر بوده است. سرمایه‌داری باید از رانت‌خواران مالی خود نجات داده شود و جهانی‌زدايي مالی (financial deglobalization) نقطه شروع خوبی برای این منظور است. همان‌طور که اقتصاددان بریتانیایی و معمار نظام حاصل از کنفرانس برتون وودز (Bretton-Woods conference) جان مینارد کینز گفت، درحالی‌که ایده‌ها، دانش و علوم بنا به تعریف بین‌المللی هستند، امور مالی باید «در درجه نخست ملی» (primarily national) باشند. وقت آن است که به توصیه او توجه کنیم.

خاطرات حقوقی

خاطراتی از استاد امیرناصرکاتوزیان



برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری» ۴۷

در ایامی که به کار قضاوت مشغول بودم، کسب تجربه‌ها با تلخی مشاهداتی همراه بود که هنوز هم اندیشیدن به آنها مرا متعجب و مبهور می‌کند. روزی که در خدمت استاد بودم، درباره تعظیم و کرنش افرادی سودجو در مقابل قضات صحبت می‌کردیم. تملق و چاپلوسی اشخاصی که قدرشان از وجدان و قلم برخی قاضیان قوی تر است.

اینان به حربه‌های مالی و زبانی و ... متوسل می‌شوند تا جان و مال و ناموس دیگران را به ناحق بخرند و به تاراج ببرند. احترام‌های واقعی در همه مشاغل جای خود را به حقه بازی و ریاکاری داده اند و چنان حق و باطل را در هم می‌آمیزند و سفسطه بازی می‌کنند که سالم زیستن در این دنیای بیمار، کار بسیار سختی است.

در ادامه این صحبت‌ها برای استاد تعریف کردم: در جمعی از دوستان و همکاران حضور داشتم. ماه رمضان بود. شخصی در این جمع، طبق عادت هر سال قضات شاغل را دعوت می‌کرد و افطاری می‌داد. او اسامی را می‌گفت و شخصی دیگر، پشت کارت‌های دعوت یادداشت می‌کرد. شخص میزبان گفت بنویسید، آقای حسینی، رئیس شعبه ... یکی از بین جمع گفت: آقای حسینی، هفته گذشته بازنشسته شده است. میزبان گفت: پس کارت دعوتش را پاره کنید.

استاد گفت: به راستی که دوستی و احترام مردم نسبت به یکدیگر در زمان‌های گذشته صادقانه تر بود. هرگز به تعظیم مردم این زمانه اعتماد نکن. تعظیم آنان همانند خم شدن دو سر کمان است که هر چه به هم نزدیک تر شوند، تیرش کشنده تر است.

امکان مطالبه خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی

نامزدی و مطالبه خسارات ناشی از برهم زدن آن نه تنها امکان پذیر است، بلکه رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه خانواده است.

مطابق ماده ۴ قانون حمایت خانواده، رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است:

۱- نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن ۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح ۳- شروط ضمن عقد نکاح ۴- ازدواج مجدد ۵- جهیزیه ۶- مهریه ۷- نفقه زوج و اجرت المثل ایام زوجیت ۸- تمکین و نشوز ۹- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن ۱۰- حضانت و ملاقات طفل ۱۱- نسب ۱۲- رشد، حجر و رفع آن ۱۳- ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان

۱۴- نفقه اقارب

۱۵- امور راجع به غایب مفقود الاثر

۱۶- سرپرستی کودکان بی سرپرست

۱۷- اهدای جنین

۱۸- تغییر جنسیت

مدارک لازم برای انجام طلاق توافقی

در این نوع از طلاق بعداز این که زوج‌ها در خصوص جدایی به توافق رسیدند؛ باید در خصوص مهریه، نفقه،اجرت المثل ایام زوجیت، حضانت فرزندان و سایر امور مهم هم با یکدیگر گفتگو و رضایت یکدیگر را جلب نمایند.
بیشتر زوج‌ها برای جدایی ترجیح می‌دهند که به صورت کاملاً مسالمت آمیز و با گفتگو روند طلاق را انجام دهند. هنگامی که زن و شوهر با گفتگو به این نتیجه رسیدند که ادامه زندگی مشترک برای آن‌ها امکان پذیر نیست؛ به صورت کاملاً توافقی از یکدیگر جدا می‌شوند. در طلاقی که به صورت توافقی انجام می‌شود؛ اصل توافق زن و شوهر بر سر طلاق و جدایی است و سپس آن‌ها در خصوص سایر مسائل و تعهدات دوران زوجیت با یکدیگر گفتگو می‌کنند.

● سه‌شنبه ۶ شهریور ماه ۱۴۰۳ سال دوم ● شماره ۷۲



ارز دیجیتال یا رمز ارز که در بین مردم به کریپتو نیز شناخته می‌شود، به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، بیش از یک دهه است، مورد توجه مردم به عنوان موقعیتی برای سرمایه‌گذاری و ابزاری برای پرداخت قرار گرفته است. در حال حاضر، خرید و فروش رمزارز در ایران جرم‌انگاری نشده است.

خرید و فروش ارزهای دیجیتال به جهت راحتی آن به نسبت سایر بازارهای مالی، به یک فعالیت عمومی در سطح جهان تبدیل شده است.

اگرچه دولت ایران رسماً خرید و فروش ارزهای رمزنگاری شده را جرم نمی‌داند، اما جواز قانونی معامله آن نیز درهاله‌ای از ابهام قرار دارد.

بررسی قوانین ایران در مورد ارز دیجیتال و رمزارز، از این نظر اهمیت دارد که با توجه به شرایط بازارهای داخلی، مردم، مخصوصاً جوان‌ها به سرمایه‌گذاری در این حوزه علاقه‌مند هستند.

محلّه حقوقی میزان در این مطلب به قوانین مربوط به خرید و فروش و معاملات ارزهای دیجیتال و رمزارزها در ایران می‌پردازد.

رمزارز چیست؟

رمزارز یا ارز رمزنگاری شده یا ارز دیجیتال، که با نام‌های کریپتوکارنسی (Cryptocurrency)، یا کریپتو (Crypto)، در زبان انگلیسی شناخته می‌شود، نوعی از دارایی یا پول دیجیتال است که با استفاده از فناوری رمزنگاری، طراحی و ایجاد می‌شود.

ارزهای دیجیتال الگوی جدیدی برای پول هستند. یک نوع پول مجازی که امنیت آن از طریق رمزنگاری تأمین می‌شود. ارز دیجیتال، سیستم‌های پولی را غیرمتمرکز کرده و توسط هیچ نهاد و سازمانی کنترل نمی‌شود و امکان مبادله پول را به طور مستقیم و بدون نیاز به موسسات واسطه‌ای مانند بانک برای طرفین معامله فراهم می‌کند.

هدف از ایجاد ارز دیجیتال، کاهش تقلب، ممانعت از جعل و هر گونه کلاهبرداری، آسان‌تر کردن و افزایش سرعت مبادلات و حذف واسطه‌هاست.

برخی از محبوب‌ترین و معروف‌ترین انواع رمزارزها در بین مردم: بیت کوین (Bitcoin / BTC)، اتریوم (Ethereum / ETH)، لایت‌کوین (Litecoin / LTC) تتر (Tether / USDT)، بایننس کوین (Binance Coin / BNB)، ریپل (Ripple XRP /)، دوچ کوین (Dogecoin / DOGE)، کاردانو (Cardano / ADA) و ترون (Tron / TRX) هستند.

تفاوت رمزارز با ارز دیجیتال چیست؟

معمولاً افراد به اشتباه تصور می‌کنند رمزارز و ارز دیجیتال هردو به یک معنی هستند و آن‌ها را به جای یکدیگر استفاده می‌کنند، در حالی که مفهوم این دو کلمه کمی‌با هم متفاوت است.

ارز دیجیتال (Digital Currency) به ارزهایی گفته می‌شود که ماهیت دیجیتال داشته باشند. اما کریپتوکارنسی یا رمزارز، ارزی است که بر بستر بلاک‌چین یا یک محیط رمزنگاری شده، ایجاد شده است. تفاوت اصلی این دو نوع ارز در فناوری پشتیبانی‌کننده و رمزگذاری آن‌هاست. رمزارزها معمولاً از بلاک‌چین و الگوریتم‌های رمزنگاری برای امنیت تراکنش‌های خود استفاده می‌کنند و بر اساس فرایندی تحت عنوان ماینینگ (Mining) (فرآیندی که طی آن داده‌های کامپیوتری شروع به تولید ارزهای مختلف می‌کنند) تولید می‌شوند، اما ارزهای دیجیتال ممکن است از فناوری‌های دیگری استفاده کنند و بدون بلاک‌چین عمل کنند.

بنابراین هر رمزارزی، یک ارز دیجیتال هم محسوب می‌شود، اما هر ارز دیجیتالی لزوماً یک رمزارز نیست. بیت‌کوین یکی از معروف‌ترین رمزارزها در سطح جهان است.

بلاک‌چین چیست؟

فناوری بلاک‌چین (blockchain) کاربردهای زیادی دارد و یکی از کاربردهای آن در حوزه ارز دیجیتال است. به دیتابیس یا پایگاه داده‌ای که به جای یک سرور، میان شبکه‌ای از کامپیوترها توزیع شده بلاک‌چین می‌گویند.

بلاک‌چین پایگاه داده غیرمتمرکزی است که شامل زنجیره‌ای از

بلاک‌هاست. بلاک در بلاک‌چین ارزهای دیجیتال، شامل اطلاعات

تراکنش‌هایی است که با استفاده از یک امضای رمزنگاری تغییر‌ناپذیر به نام هش (Hash) در آن ثبت می‌شود. هش در بلاک‌چین برای نشان دادن حالت فعلی (تمام تراکنش‌ها از ابتدا تاکنون)، کاربرد دارد.

بلاک‌چین امکان ایجاد یک شبکه امن و شفاف را فراهم می‌کند که مدیریت آن، بر عهده نودهاست و در دست یک شخص، دولت یا نهاد واحد نیست.

بیت‌کوین چیست؟

بیت‌کوین، به عنوان اولین و معروف‌ترین رمزارز در جهان شناخته می‌شود که از سال ۲۰۰۹ شروع به کار کرده است. بیت‌کوین، توسط فرد یا گروهی ناشناس به نام ساتوشی ناکاموتو (Satoshi Nakamoto) معرفی شد و یک انقلاب اقتصادی ایجاد کرد و همچنان، بیشترین اهمیت و اثرگذاری را بر این بازار دارد.

این ارز دیجیتال بر اساس فناوری بلاک‌چین کار می‌کند. بلاک‌چین به بیت‌کوین امکان انجام معاملات امن و شفاف بدون نیاز به واسطه‌ها را می‌دهد. تمامی تراکنش‌های بیت‌کوین در یک دفتر کل دیجیتال (بلاک‌چین) ثبت می‌شود و افراد به راحتی می‌توانند آن را در صرافی‌های مختلف معامله کنند. اگرچه از سال ۲۰۱۱ به بعد، ارزهای دیجیتال دیگری تحت عنوان «آلت‌کوین‌ها» به بازار رمزارزها وارد شدند، اما بیت‌کوین همچنان در صدر بازار رمزارزهای جهان قرار دارد.

با گذشت بیش از یک دهه از ایجاد رمزارزها، همچنان رمزارزهایی مانند: بیت‌کوین، اتریوم، تتر و ... برای انتقال ارز و انجام معاملات استفاده می‌شود. قیمت رمزارزها بر اساس عوامل موثر بر بازارهای مالی و قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.

رمزارزها بدون نیاز به واسطه، به صورت آنی و در تمام ساعات شبانه‌روز و با کمترین هزینه، قابل استفاده هستند. از آنجا که محبوبیت این نوع سرمایه‌گذاری بین مردم رو به افزایش است، نگرانی‌هایی در این حوزه برای مردم ایجاد شده است و این سوال‌ها را برپای معامله‌کنندگان رمزارزها ایجاد کرده است که آیا معامله رمزارز قانونی است؟ چه قوانینی درباره مبادلات رمزارز وجود دارد؟ یا اینکه در صورت وقوع جرایمی‌مانند کلاهبرداری در معامله رمزارز، از چه طریقی باید پیگیری کرد؟

مهم‌ترین نگرانی کاربران ارزهای دیجیتال در ایران مربوط به قوانین مبادله ارزهای دیجیتال و موضوعات مرتبط با این حوزه و امنیت دارایی‌شان است. اگرچه معامله و نگهداری ارزهای دیجیتال غیرقانونی نیست؛ اما چالش‌های قانونی فراوانی در بین کاربران و ارائه‌دهندگان سروس‌های کریپتویی وجود دارد.

آیا خرید و فروش رمزارز در ایران قانونی است؟

باتوجه به اینکه، ارزهای دیجیتال، تحت مالکیت و کنترل هیچ دولت و نهاد خاصی قرار ندارند، توسط هر شخصی از هرجایی، قابلیت مالکیت و معامله دارند که این موضوع در مورد کشور ما نیز صادق است. اما آشنایی با قوانین این حوزه، می‌تواند دیدگاه شفاف‌تری نسبت به معامله این ارزها به افراد بدهد. به طور کلی در حال حاضر در مورد معامله رمزارزها و خرید و فروش ارز دیجیتال در ایران، به‌صورت رسمی، قانونی نیست، اما هیچ قانونی که تصریح کند معامله رمزارز در ایران غیرقانونی است یا جرم محسوب می‌شود نیز، وجود ندارد.

برخی برای غیرقانونی دانستن معامله‌های رمزارزی به بند چ ماده ۲ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ استناد می‌کنند این ماده مقرر کرده است: تعهد پرداخت هرگونه دیسن و یا بدهی فقط به پول رایج کشور انجام پذیر است، مگر آن‌که با رعایت مقررات ارزی کشور ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار داده شده باشد، استناد می‌کنند.

در حالی‌که اگر رمزارز به عنوان یک دارایی دیجیتال (نه پول در معنای اخص خود) در نظر گرفته شود، تعارضی بین قانون مذکور و مبادله رمزارز وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر، بر اساس مصوبه هیأت وزیران در جلسه ۶ مرداد ۱۳۹۸: «استفاده از رمز ارزها صرفاً با قبول مسئولیت خط‌پذیری (ریسک) از سوی متعاملین صورت می‌گیرد.» همچنین قوانین داخلی موجود در حوزه استخراج رمزارز نیز نشان می‌دهد که جواز و مشروعیت این دارایی موضوعی انکارناپذیر برای مراجع قانون‌گذاری در ایران است. طبق مصوبه مذکور: استخراج فرآورده‌های پردازشی رمزنگاری شده رمزارزها (ماینینگ) با اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت مجاز است.

هرچند مراجع قانون‌گذاری به جهت ماهیت این دارایی هنوز در شناسایی حقوقی آن موضع روشنی اتخاذ نکرده‌اند؛ اما تردید در این موضوع، موجب می‌شود که در این مورد به اصل اباحه رجوع شود، به این معنی که وقتی قانونی برای غیرمشروع بودن آن وجود ندارد، اصل را بر مشروع و مجاب بودن معامله رمزارز است.

مسیر قانون‌گذاری ماینینگ و معامله ارز دیجیتال در ایران

ایران تجارت و مالکیت ارزهای دیجیتال را در سال ۹۶ و ۹۷، به دلیل نگرانی‌های مربوط به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم ممنوع اعلام کرد و تمام مؤسسات مالی ایرانی مانند: بانک‌ها، صرافی‌های زیر نظر بانک مرکزی و سایر مراکز اصلی مالی از کار کردن با ارزهای دیجیتال یا تبلیغ آن به هر نحوی منع شدند.

بانک مرکزی در سی‌امین جلسه شورای عالی مبارزه با پول‌شویی در تاریخ ۹ رخر ۱۳۹۶ به‌طور رسمی همه مؤسسات مالی را از کار با ارزهای دیجیتال منع کرد. بانک مرکزی در اردیبهشت ماه سال ۹۷، طی یک اعلامیه رسمی، خرید و فروش بیت‌کوین در ایران را ممنوع اعلام کرد. در این اطلاعیه بیان شد: از آنجا که ماهیت ارزهای مجازی، این ارزها را به ابزاری برای پولشویی، تأمین مالی تروریسم و به طور کلی جابجایی پول بین مجرمان تبدیل می‌کند، ممنوعیت به کار گیری این ارزها به بانک‌ها ابلاغ شده است.»

اما در سال ۲۰۱۹ باتوجه به مشکلاتی که به دلیل تحریم‌ها به وجود آمد، دولت شروع به لغو محدودیت‌ها در این زمینه کرد. بعد از آن، قانون ارز دیجیتال در ایران تغییر کرد؛ آیین‌نامه اجرایی استخراج فرآورده‌های پردازشی رمزنگاری شده، توسط معاون اول رئیس‌جمهور اعلام و مالکیت و استخراج ارز دیجیتال در ایران با اخذ مجوز از وزارت صمت، قانونی شد، اما همچنان استفاده از رمزارزها به‌عنوان یک سیستم پرداخت ممنوع بود.

طبق مصوبه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۸تحت عنوان آیین‌نامه فرایند ماینینگ و استفاده از رمزارز: استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول مسئولیت خط‌پذیری (ریسک) از سوی متعاملین انجام می‌شود و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست. مفاد این مصوبه دلالت بر این امر دارد که، استفاده و خرید و فروش رمزارز مجاز است، اما دولت و نظام بانکی ارزش ذاتی رمزارز را تضمین نمی‌کند. همچنین طبق بند ۲ این مصوبه، استخراج فرآورده‌های پردازشی رمزنگاری‌شده رمزارزها (ماینینگ) با اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت مجاز است.

ادامه از صفحه قبل

در این نوع از طلاق بعد از این که زوج‌ها در خصوص جدایی به توافق رسیدند؛ باید در خصوص مهریه، نفقه،اجرت المثل ایام زوجیت، حضانت فرزندان و سایر امور مهم هم با یکدیگر گفتگو کنند و رضایت یکدیگر را جلب نمایند؛ بنابراین در این دسته از طلاقی فقط توافق در خصوص طلاق کافی نیست؛ بلکه نیاز است موارد دیگر هم در نظر گرفته شود. در این نوع از جدایی نیاز است که برخی از مدارک توسط زن و شوهر تهیه شود تا روند طلاق سریع‌تر انجام شود. به همین منظور نیاز است که مدارک زیر را به همراه داشته باشید:

کارت ملی و مدارک شناسایی آقا و خانم- سند ازدواج و در مواردی که سند ازدواج را ندارید بهتر است که رونوشت آن را از دفتر ازدواج محل ثبت عقد، دریافت کنید.

– گواهی عدم بارداری – تهیه گواهی عدم انصراف از طلاق از مراکز مشاوره – گواهی بکارت (در فرضی که زوجه مدعی باشد همچنان دوشیزه است)

قوانین

افراد می‌توانند بر اساس قانون استخراج ارز دیجیتال در ایران، با ثبت شرکت مسئولیت محدود یا سهامی خاص، مجوز ماینینگ را به نام شرکت خود دریافت کنند. بر اساس ماده ۱۵ دستورالعمل صدور و بهره‌برداری رمزارزها، پروانه بهره‌برداری از استخراج ارز دیجیتال برای متقاضی زمانی صادر می‌شود که اقدامات لازم جهت ظرفیت‌سنجی محل و بازدید فنی توسط کارشناسان وزارت صنعت انجام گرفته باشد.

همچنین، بر اساس اطلاعیه بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸، تشکیل و فعالیت اشخاص برای ایجاد و اداره شبکه پولی و پرداخت مبتنی بر فناوری زنجیره بلوک، از نظر این بانک، غیرمجاز محسوب شده و بانک مرکزی حق پیگرد قانونی اشخاصی که با نادیده گرفتن مقررات، شبکه‌ای ایجاد و آن را تبلیغ می‌کردند را برای خود محفوظ می‌دانست.

اواخر سال ۲۰۲۰، با افزایش قیمت ارزهای دیجیتال و افزایش سرمایه‌گذاری در این حوزه، بار دیگر قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای شرکت‌های ارزهای دیجیتال وضع شد و قوانینی در مورد محدودیت‌های بیشتر برای ماینرهای ارز دیجیتال به دلیل مصرف زیاد انرژی وضع شد. اما در حال حاضر ارزهای رمزنگاری شده در صرافی‌هایی که مقررات را رعایت کرده‌اند، قابل خرید و فروش و مبادله است و توسعه کیف پول ارز دیجیتال (Cryptocurrency Wallet) که با نام‌های ولت یا والت نیز شناخته می‌شود با در نظر گرفتن مقررات بخش کیف پول رمزارزی، برای اشخاص حقیقی و حقوقی مشکل قانونی ندارد.

همچنین وزیر صمت در شهریور ماه ۱۴۰۱، از تصویب بهره‌برداری و استخراج ارزهای دیجیتال توسط هیئت دولت و مجوز استفاده از ارز دیجیتال برای واردات خبر داد. به‌طور کلی در مورد جواز معامله و استفاده از رمزارزها در ایران باید گفت، باتوجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی‌که: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» از آنجا که در مورد ممنوعیت خرید و فروش ارزهای دیجیتال در کشور قانونی تصویب نشده است، معامله یا خرید و فروش رمزارز در ایران، غیرقانونی نیست و جرم محسوب نمی‌شود و هرچند در مورد قانونی بودن آن نیز قوانین محکم‌ی‌وجود ندارد، اما باتوجه به دستورالعمل‌ها و مصوبات دولتی استخراج و استفاده از آن تحت ضوابط و شرایط اعلامی مجاز است.

ویژگی‌های کاربردی رمزارزها باعث شده است که ایران نیز به سمت تولید ارز دیجیتال تحت عنوان «رم‌ریال» برود. سرعت انتقال و کم کردن اسکناس در دست مردم از جمله عواملی است که موجب حرکت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نهادهای مالی به سوی تولید رم‌ریال شده است.

قانون صرافی ارز دیجیتال در ایران

صرافی ارز دیجیتال (cryptocurrency exchange) به مکانی گفته می‌شود که مشتریان می‌توانند در آن‌جا ارز دیجیتال خود را در برابر پرداخت ارزهای فیات (پول دولتی و رایج در کشورها) و یا در برابر ارز دیجیتال دیگر، خرید و فروش کنند. این نوع صرافی‌ها به دو صورت فیزیکی یا آنلاین کار می‌کنند.

با افزایش کاربران ارزهای دیجیتال در ایران، صرافی‌های ارز دیجیتال زیادی نیز در ایران شروع به فعالیت کرده‌اند. به همین جهت، بانک مرکزی شرایط و ضوابط پلتفرم‌های خرید و فروش ارز دیجیتال را تنظیم و ارائه کرده است.

بر اساس دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر

صرافی‌ها مصوب شورای پول و اعتبار بانک مرکزی در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، «صرافی» شرکتی است که با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده است و موضوع آن انجام عملیات صرافی است.

طبق این مصوبه، تأسیس و ثبت صرافی و اشتغال به عملیات صرافی صرفاً درچارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار، مفاد دستورالعمل مذکور، سایر قوانین و مقررات ذریبط و بخشنامه‌های بانک مرکزی و با اخذ مجوز از بانک مرکزی و با تأیید مکان صرافی از سوی مراجع ذی‌صلاح مجاز است.

احراز هویت موسسان، شرکا و سهامداران صرافی‌ها و سایر شرایط مربوط به تأسیس صرافی توسط بانک مرکزی انجام می‌شود.

طبق ماده ۲۳ این دستورالعمل: هرگونه عملیات صرافی در بسترهای معاملاتی برخط داخلی و استفاده از رمزارزهای استخراج شده داخلی برای واردات صرفاً بر اساس ضوابط ابلاغی بانک مرکزی قابل انجام خواهد بود. بنابراین، طبق این دستورالعمل استفاده از رمزارز با رعایت ضوابط بانک مرکزی، برای واردات مجاز است.

فعالیت در صرافی‌های ارز دیجیتال نیاز به احراز هویت دارد و این احراز هویت باید توسط صرافی نزد بانک مرکزی به ثبت برسد. همچنین در خرید و فروش ارز دیجیتال، باید سقف اعلامی‌از سوی بانک مرکزی، رعایت شود.

مسئولیت صحت عملکرد پلتفرم صرافی‌ها و تضمین ملاحظات امنیتی آن بر عهده مالکان صرافی است و در صورت هرگونه نقض امنیتی پلتفرم، صرافی مذکور موظف به پرداخت خسارت به کاربران است. فهرست رمزارزهای قابل مبادله در صرافی‌ها، توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و در بازه‌های زمانی مشخص به صرافی‌های رمزارزی ابلاغ می‌شود.

صرافی‌های رمزارزی ملزم به رعایت قوانین مبارزه با پولشویی و شناسایی مشتریان (KYC) هستند. همچنین صرافی‌های ارز

دیجیتال باید تمام تراکنش‌های انجام شده، را ثبت کنند و در صورت لزوم در اختیار بانک مرکزی قرار دهند.

آیا داشتن دستگاه استخراج بیت‌کوین و خرید و فروش آن جرم است؟

باتوجه به قوانین مذکور، درصورتی که دارنده دستگاه استخراج بیت‌کوین یا سایر ارزهای دیجیتال، از وزارت صنعت، معدن و تجارت مجوز رسمی داشته باشد، اقدام او قانونی خواهد بود، اما اگر دستگاه ماینر بیت‌کوین به صورت غیرقانونی وارد شده باشد و مورد استفاده قرار بگیرد، حکم کالای قاچاق محسوب می‌شود و داشتن و استفاده از آن جرم است و پیگرد قانونی دارد.

در مورد معامله بیت‌کوین نیز، هر چند وضعیت معامله ارز دیجیتال در ایران به‌صورت کاملاً رسمی و قاطعانه مشخص نشده است، اما معامله و خرید و فروش آن در ایران، جرم نیست مگر اینکه ابزاری برای جرم دیگر مانند پولشویی باشد، که در این صورت معامله آن غیرقانونی است.

آیا خرید و فروش تتر جرم است؟

تتر (Tether) با عنوان اختصاری USDT به عنوان یک رمزارز پرتعداد در بازار ارز دیجیتال است که ذخیره و خرید و فروش آن توسط افراد در ایران جز در موارد خاصی مانند استفاده در فعالیت‌های غیرقانونی، جرم نیست و مشمول مجازات نخواهد شد.

به‌طور کلی، خرید و فروش بیت کوین، تتر و دیگر ارزهای دیجیتال در ایران تا زمانی است که ابزاری برای انجام جرم دیگر نباشد و یا قوانین بالادستی را نقض نکند، قانونی است و جرم محسوب نمی‌شود.

مشکلات ارزهای دیجیتال از نگاه دولت

رمزارزها فناوری نوظهوری هستند که با وجود داشتن ویژگی امنیت



● سه‌شنبه ۶ شهریور ماه ۱۴۰۳ سال دوم ● شماره ۷۲

در تراکنش‌ها و مبادلات الکترونیکی، می‌توانند نگرانی و مشکلاتی هم ایجاد کنند. برخی نگرانی‌هایی که باعث حساسیت در حوزه قوانین مربوط به استفاده از رمزارزها از سوی دولت می‌شود عبارتند از:

– خروج ارز از کشور
– نوسانات شدید قیمت رمزارزها
– رقابت با بازار بورس ایران در جذب سرمایه
– پول‌شویی و انجام کارهای مشکوک و غیرقانونی
– قطع ارائه خدمات صرافی‌های خارجی به ایرانی‌ها
– عدم امکان دخالت یا نظارت دولتی

این نگرانی‌ها در مورد ارزهای دیجیتال از عواملی هستند که موجب سختگیری و حساسیت نهاد قانون‌گذاری در این زمینه شده است. کاربران باید این موضوع را مدنظر داشته باشند که بانک مرکزی هیچ مسئولیتی در رابطه با تأیید اصالت رمزارزها نمی‌پذیرد. همچنین برای مدیریت و ثبات قیمت آن نیز، دخالتی از سوی بانک مرکزی انجام نمی‌شود.

در واقع شبکه بلاک‌چین بدون آنکه متکی به فرد، گروه یا دولت و کشور خاصی باشد، معامله‌های انجام شده در بستر اینترنت و امنیت آن‌ها را تضمین می‌کند. باتوجه به اینکه، بازار ارزهای دیجیتال در ایران قدمت زیادی ندارد و اکثر کاربران این حوزه، آمانور هستند به همین جهت بستر مناسبی برای وقوع جرایم و سوء استفاده‌های مالی است. در صورتی که مردم در معامله این رمزارزها با مشکلاتی مانند: حک یا کلاهبرداری در قالب طرح‌های پانزی، صرافی‌ها و کیف پول‌های جعلی و استخراج‌های ابری تقلبی، روبه‌رو شوند، می‌توانند این موضوع را، با طرح شکایت در مراجع قضایی، پیگیری کنند.

در همین راستا مراجع قانونی مانند: نیروی انتظامی و پلیس فتا در مورد جرایم این حوزه به‌عنوان یک فناوری، مسئولیت‌ها و اختیاراتی دارند که بر اساس آن باید برای پیگیری و برخورد با متخلفان و مجرمان این حوزه اقدام کنند.

حکم شرعی خرید و فروش رمزارز چیست؟

به‌طور کلی، نظرات مراجع تقلید در رابطه با حکم شرعی معامله رمزارز را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد:

برخی از فقها معامله و استفاده از رمزارز را دارای اشکال می‌دانند برخی اشکال شرعی در استفاده از آن نمی‌بینند و برخی نیز در این زمینه نظری ندارند و رعایت قوانین کشور را در این زمینه لازم می‌دانند. مخالفان به قاعده لاضرر و قاعده نفی سببیل استناد می‌کنند و موافقان به قاعده اباحه استناد می‌کنند به این معنی که معامله رمزارز جایز است تا زمانی که دلیلی بر خلاف شرع بودن آن وجود نداشته باشد.

در مجموع، اکثر مراجع تقلید یا خرید و فروش ارزهای دیجیتال را حرام ندانستند، اما به دلیل وجود برخی ابهامات، معامله ارز دیجیتال را دارای مشکلاتی می‌دانند که بهتر است برای حل آن طبق قوانین عمل کرد. مقام معظم رهبری، در مورد خرید و فروش ارزهای دیجیتال، عمل به قوانین موجود را توصیه می‌کنند و طبق نظر ایشان، حکم تولید، خرید و فروش ارز دیجیتال، تابع قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران است.

این‌ نظر فقهی دو نتیجه دارد: اول آنکه حکم تحریم درباره آن وجود ندارد و دیگر اینکه ارجاع یک حکم شرعی به «قوانین و مقررات» از سوی، ولی فقیه، تکلیفی مهم را بر عهده قانون‌گذاران می‌گذارد که در این زمینه اقدام به وضع قوانین شفاف کنند تا مردم و نظام پولی و بانکی تکلیف خود را درباره این موضوع بدانند. چرا که عدم قوانین شفاف و تعزل در تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در هر حوزه‌ای از جمله حوزه ارز دیجیتال، همواره می‌تواند مشکلات جدی به‌وجود بیاورد.

به‌طور کلی، ورود به حوزه ارزهای دیجیتال و خرید رمزارز از سوی مردم باید با احتیاط و آگاهی کامل انجام شود و توصیه می‌شود مردم از جمله: تریدرها (معامله‌گران) و سرمایه‌گذاران، تمام سرمایه خود را به خرید این ارزها اختصاص ندهند. همچنین برای خرید رمزارز از طریق صرافی‌هایی که از بانک مرکزی مجوز دارند، اقدام کنند و به هشدارهای بانک مرکزی در این زمینه توجه کنند.

گفتگو با مدیرمسئول

اشخاص کثیرالپرونده کدامند؟

ادامه از صفحه اول:

گاهی این شرکت‌ها یک اطلاقی را در گوشه‌ای برای مدتی اجاره می‌کنند یا مراجعه مردم به آنان یکسری قرارداد با عناوین سنگین حقوقی جلوی آنها می‌گذارند تا امضاء کنند از سلب مسئولیت شرکت تا رضایت نامه و ... را افراد بدون آنکه مطالعه کنند در کنار خیابان یا پارکینگ منزل امضاء می‌کنند و این اشخاص با عنوان اینکه تسهیلات دریافتی مثلاً برای کارآفرینی است با سود ۴ درصد است و تنفس ۲ ساله یا ۳ ساله بخشی از تسهیلات دریافتی را به عنوان کارمزد طلب می‌کنند و فی‌المجلس چک از افراد متقاضی مراجعه کننده در تاریخ مشخصی بنام اشخاص ثالث می‌گیرند.

پس از مدتی شرکتی که قول دریافت تسهیلات داده است یک تیپ طرح توجیهی برای کسب و کاری که پیشنهاد شده است را تحویل آنان می‌دهد و می‌گوید خودتان بروید فلان وزارتخانه تا شما را به بانک عامل معرفی کند. در اینجا تبلیغات شفاهی آن شرکت با آنچه که امضاء شده و حتی نسخه ثانی آن را به بهانه اینکه باید در شرکت شماره و امضاء شود تحویل نمی‌دهند متفاوت است و آنچه مستند محکم قرار می‌گیرد اسناد مکتوب است که طرفین امضاء کرده اند مردم این وسط سرگردان بین نهادهای دولتی و بانک و آن طرف شرکت چک‌هایی را که به عنوان دستمزد تهیه طرح توجیهی به نام اشخاص ثالث دریافت داشته است را جهت وصول به بانک می‌برد و حتی خسارت تاخیر نیز در قراردادهای آن در نظر می‌گیرد

چک هم یک سند تجاری است که صادرکننده موظف است در موعد مقرر وجه آن را کارسازی نماید. و اکثریت چک‌ها با گواهی عدم وصول مواجه می‌شود در اینجا با طرح دعوا پرونده شکل می‌گیرد از یک سو اجرائیه بر علیه صادرکننده چک از یک سو دادخواست ابطال اجرائیه از یک طرف برای حبس نشدن صادرکننده چک و دادخواست اعسار ... و انواع پرونده‌های قضایی شکل می‌گیرد در حالی که منشاء همه این پرونده‌ها وعده‌هایی است که شرکت به مردم بصورت شفاهی و تبلیغی داده است و گاهی برای اینکه مردم از پیگیری قضایی خسته شوند و پیگیری برایشان مقرون به صرفه نباشد از ترفندهایی استفاده می‌کنند حال اگر دستگاه قضائی بنا به درخواست طرف پرونده و یا قضاوت در اینگونه پرونده‌ها از طریق سامانه ای که در اختیار دارند بررسی نمایند این شخص چه میزان طرح دعوا علیه اشخاص انجام داده است و اشخاص چه میزان بر علیه او طرح دعوا کرده اند. لذا با یک بررسی قضایی محقق بودن یا نبودن فرد مشخص می‌گردد. در یک صورت ظاهری چطور شرکت یا فردی که بر علیه اشخاص زیادی طرح دعوا کرده و یا مردم بر علیه او طرح دعوا کرده اند هرچند از نظر ظاهر قوانین به نفع او می‌باشد. خود را محق می‌داند در اینجا درخواست می‌شود. قوه قضائیه از حقوق مردم در برابر چنین

منصور مظفری وکیل پایه یک دادگستری:



منظور از افـراد کثیرالپرونده این است که برخی افراد از اشخاص حقیقی و حقوقی در دستگاه قضایی طرح دعوا اعم از حقوقی یا کیفری می‌کنند و این افراد نسبت به دعوایی که طرح می‌کنند خودشان را محق می‌دانند و می‌توان گفت در اکثر این پرونده‌ها به نفع خود رأی هم می‌گیرند. رأی گرفتن آنان چون پرونده‌ها بصورت جداگانه در حوزه‌های قضایی مختلف و شعبات متعدد بررسی می‌گردد از نظر قانونی مشکل ندارد و می‌توان گفت آراء صحیح هم صادر می‌گردد. اما اگر این اشخاص شناسائی شوند و پرونده‌هایی که موضوعات آنها مشابه است مورد رسیدگی قرار گیرد و منشاء دعاوی بررسی شود چه بسا به جای محکوم له محکوم علیه قرار گیرند.

افراد صیانت کند یا مثلاً افرادی هستند که معروف به رباخوار هستند این افراد آنچنان به قانون مسلط هستند که قوانین را دور می‌زنند و مردم نیز بنا به شرایط اقتصادی گرفتار رباخواران می‌شوند و تمام زندگی خود را از دست می‌دهند اغلب این افراد علاوه بر اینکه ماهانه وجه اضافی به عنوان ربا را دریافت می‌کنند برای تضمین ملک ربادهنده را نیز بصورت وکالتی بدون هیچ گونه شرطی تصاحب می‌کنند. حال اگر از سوی

مردم عادی چندین پرونده بر علیه اینگونه اشخاص در محاکم هر چند در حوزه قضایی و شعبات کیفری یا حقوقی مختلف طرح دعوا شد. خوب است دستگاه قضایی با یک بررسی منشاء دعوا را پیدا کند آن موقع ریشه اینگونه افراد که بالای جامعه و جان و مال مردم هستند می‌شود.

سوال: اشاره داشتید که افراد کثیرالپرونده از ترفندهایی برای عدم پیگیری قضایی از سوی طرف پرونده استفاده می‌کنند می‌شود توضیح دهید که این ترفندها چیست؟

به نکته خوبی اشاره داشتید تقریباً افرادی که گرفتار رباخواران و یا کلاهبرداران می‌شوند از قشر ضعیف جامعه می‌باشند و توان مالی مناسبی ندارند حال اگر قرار است دعوایی بر علیه آنان طرح شود که موضوع سند تجاری مانند چک باشد. در یک شهرستان دورافتاده از سوی بانک آن محل گواهی عدم وصول صادر می‌شود و آن فرد در همان محل بصورت مستقیم درخواست اجرائیه می‌کند یک مثال عینی بیاورم. یک فردی برای ۴ نفر از بستگان و دوستانش که از یک شرکت تقاضای تأمین منابع مالی نموده بودند ۴ فقره چک در وجه یکی از اعضای شرکت صادر می‌کند در موعد مقرر تسهیلات دریافت نمی‌شود. دارنده چک، چک‌ها را به یکی از بستگان خود در شهرستان دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌دهد. آنجا از طریق بانک گواهی عدم وصول صادر و اجرائیه صادر می‌شود. تمامی چک‌ها گواهی عدم وصول داشته ولی در چهار مرحله درخواست اجرائیه می‌شود یعنی برای ۴ چک ۴ پرونده اجرایی در ۳ شعبه تشکیل می‌شود حال صادرکننده چک در تهران محل عقد قرارداد تهران، محل تعهدات شرکت تهران چرا باید یک سند تجاری که باید جزو اسناد شرکت باشد توسط شخص ثالثی در یک شهرستان که حدود ۱۰ ساعت با تهران فاصله دارد و بدون امکانات رفاهی برای مسافرتین می‌باشد جهت وصول آن طرح دعوا گردد. قطعاً محکوم علیه برای هرگونه پیگیری باید بعد مسافت را طی کند وکیل اختیار کند و صرف هزینه، پس در این خصوص بدون اینکه قضاوتی داشته باشیم احتمالاً سوءنیتی نهفته است و دستگاه قضائی می‌تواند با استعلام ببیند محکوم له در چنین مواردی بر علیه افراد دیگری تشکیل پرونده داده است یا خیر. اینجاست که باید از حقوق الناس صیانت شود البته مردم هم گاهی مقصر هستند نباید بدون تحقیق گرفتاری برای خود درست کنند. ولی شرایط اقتصادی هم عمده این حوادث است حالا که دولت این مشکلات را به وجود آورد و مردم در بحران اقتصادی قرار می‌گیرند تقصیر را نمی‌توان تماماً به گردن مردم نهاد اینجا دولت باید حمایت کند. تا بساط افرادی که از موقعیت‌ها سوءاستفاده می‌کنند برچیده شود.

تمکین عام زوجه، مانع اعمال حق حبس نمی‌گردد

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

تمکین عام (نه خاص) از سوی زوجه، موجب اسقاط حق وی به شرح مندرج در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی (حق حبس) نمی‌گردد و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مغایرتی با این نظر ندارد. ضمن آن که قانون حمایت خانواده استنادی مصوب ۱۳۹۱ و مؤخر بر تاریخ صدور رأی وحدت رویه مزبور است.

به عبارت دیگر در فرض عدم پرداخت نفقه از سوی زوج آیا زوجه با وجود عدم تمکین خاص در حالی که تمکین عام دارد به استناد اعمال حق حبس خود می‌تواند اقدام به طرح شکایت کیفری بابت ترک انفاق نماید یا خیر، با توجه به مفهومی که رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸-۱۳۹۰/۲/۱۳ از عبارت تمکین ارائه داده است؟

نظریه شماره ۷/۹۲/۲۲۱۱ - ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

تمکین عام (نه خاص) از سوی زوجه، موجب اسقاط حق وی به شرح مندرج در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی (حق حبس) نمی‌گردد. شماره پرونده ۱۶۸۸ - ۹/۱۶ - ۹۲

سؤال: آیا اعمال حق حبس از سوی زوجه (موضوع ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی) و عدم تمکین خاص از زوج درحالی که سابقاً تمکین عام داشته است را می‌توان از مصادیق معاذیر پیش بینی شده در تبصره ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ دانست؟

پاسخ: پیشنهاد می‌شود ابتدا موضوع را از طریق مذاکره و توافق حل گردد در غیر اینصورت اجاره بهای معوق را از پول پیش کسر نمایید و الباقی را به حسابی که مستاجر به صورت کتبی به شما اعلام می‌کند واریز کنید و در صورت ادعا در خصوص الباقی پول پیش در دادگاه قابل دفاع می‌باشد. و اما در خصوص خسارت وارده به ملک ابتدا تامین دلیل نمایید میزان خسارت مشخص که شد از ایشان مطالبه کنید. تامین دلیل مطابق ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی، در مواردی که اشخاص ذی‌نفع احتمال دهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعمال نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از

دادگاه صلح چیست؟

توسعه ظرفیت صلح و سازش از طریق تشکیل دادگاه صلح، از اقدامات بسیار مهمی است که در دوره تحول دستگاه قضایی با تصویب قانون جدید شوراهای حل اختلاف انجام گرفته است. موضوع «صلح و سازش»، از موضوعات مهمی است که در احقاق حق و پیشگیری از اطاله دادرسی، بسیار موثر است؛ به همین جهت تکالیف قانونی نیز در این زمینه وجود دارد؛ چنانکه ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس را مکلف می‌کند تا در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری کند.

ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی نیز، دادگاه را در مرحله اول مکلف می‌کند بعد از شنیدن اظهارات طرفین، سعی در ایجاد صلح و سازش نماید.

در همین راستا، احیای صلاحیت شوراهای حل اختلاف و توسعه ظرفیت صلح و سازش در این شورا، از اقدامات بسیار مهمی است که در دوره تحول دستگاه قضایی با تصویب قانون جدید شوراهای حل اختلاف انجام گرفته است.

طبق قانون جدید شوراهای حل اختلاف، هدف از ایجاد شوراهای حل اختلاف، که زیر نظر قوه قضاییه تشکیل شده‌اند، ایجاد صلح و سازش و حل اختلاف بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، است و با اصلاحاتی که در قانون انجام شده، نقش صلح و سازشی شوراها در جامعه تقویت می‌شود.

دادگاه صلح چیست؟

در قانون جدید شوراهای حل اختلاف، یا ساختارهای جدیدی به شوراهای حل اختلاف اضافه شده و یا برای برخی ساختارهای موجود، شرح وظایف جدیدی پیش‌بینی شده که تاسیس دادگاه صلح یکی از این موارد است.

به موجب ماده ۴ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ قوه قضاییه مکلف است حداکثر ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، در هر حوزه قضایی شهرستان، شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها را تحت مدیریت و نظارت رئیس آن حوزه قضایی به عنوان دادگاه صلح تعیین کند.

طبق ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۳ دادگاه صلح، به این صورت تعریف شده است: دادگاه صلح شعبه یا شعبی از دادگاه‌های دادگستری است که بر اساس صلاحیت‌های مندرج در قانون تعیین می‌شود.

بر اساس ماده ۱۹ آیین‌نامه شوراهای حل اختلاف، در هر حوزه قضایی شهرستان شعب دادگاه صلح به تعداد مورد نیاز تعیین و تشکیل می‌شود.

این شعب در حدود صلاحیت مذکور در قانون رسیدگی می‌کنند. در صورت ضرورت و بنا به نیاز حوزه قضایی بخش، رئیس قوه قضاییه می‌تواند در حوزه قضایی بخش دادگاه صلح تشکیل دهد. در صورت عدم تشکیل دادگاه صلح، دادگاه بخش به دعوی و امور در صلاحیت دادگاه صلح نیز رسیدگی می‌کند.

تشکیل شعب دادگاه صلح حتی‌الامکان از محل حذف شعب فعلی دادگاه‌های نخستین صورت می‌گیرد.

در این صورت شعب مذکور تا تعیین تکلیف همه پرونده‌های موجود به فعالیت ادامه داده و بعد از اتمام پرونده‌ها منحل می‌شود.

ریاست دادگاه صلح با چه کسی است؟

بر اساس ماده ۲۰ آیین‌نامه قانون شوراهای حل اختلاف ریاست و نظارت دادگاه صلح در استان با رئیس کل دادگستری استان و در حوزه قضایی شهرستان و بخش با رئیس حوزه قضایی است.

تمام دعوی، جرایم و امور در صلاحیت دادگاه صلح که تا تاریخ تشکیل دادگاه‌های صلح در سایر دادگاه‌ها ثبت شده است، کماکان در همان مرجع رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد شد. دادسرا پرونده‌های موضوع این ماده را از تاریخ تشکیل این دادگاه به دادگاه صلح ارسال خواهد کرد.

رؤسای کل دادگستری استان در اجرای ماده (۵۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی می‌توانند به‌منظور رسیدگی به موضوعات خاص، شعب یا مجتمع تخصصی دادگاه صلح تشکیل دهند و اعضای شورا یا شعبه شورا در معیت آن مستقر شوند.

صلاحیت دادگاه‌های صلح

بر اساس ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است:

۱ - دعوای مالی تا نصاب یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تبصره - رئیس قوه قضاییه می‌تواند نصاب مذکور در این بند را هر سه سال یک بار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعدیل کند.

۲ - دعوای حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق ۳ - دعوای راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نباشد.

۴ - دعوای و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره بها بجز دعوای مربوط به سرقفلی و حق کسب یا پیشه یا تجارت

۵ - اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد

۶ - حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن

۷ - تأمین دلیل

۸ - تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱/۱۳۷۹/

۹ - جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیرعمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی

۱۰ - جرایم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت

۱۱ - دعوای اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام تبصره ۱ - به کلیه جرایم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲ - دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل رسمیت می‌یابد. دادگاه صلح با رضایت طرفین، پرونده را برای حصول سازش به عضو یا اعضای شورا که در دادگاه مستقر می‌باشند یا شعبه شورا یا میانجی‌گری ارجاع می‌دهد. چنانچه حداکثر ظرف دو ماه موضوع منتهی به سازش شود، مراتب صورتجلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام می‌شود تا طبق مقررات اقدام کند.

در صورت عدم حصول سازش، قاضی دادگاه صلح مطابق قانون، به موضوع رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی می‌کند.

تبصره ۳ - دادگاه صلح می‌تواند در ساعات غیراداری و یا در روزهای تعطیل نیز به دعوای رسیدگی نماید و استقرار آن در محل شورا بلامانع است.

همچنین طبق ماده ۱۳ قانون شوراهای حل اختلاف، شوراها در موارد زیر حسب مورد با درخواست خواهان یا مدعی خصوصی یا شاکی برای صلح و سازش اقدام می‌کنند:

۱ - کلیه امور مدنی و حقوقی.

۲ - جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت.

۳ - کلیه جرایم قابل گذشت

در صورت اختلاف دادگاه صلح و سایر مراجع قضایی به چه صورت عمل می‌شود؟

طبق تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه‌های صلح و همچنین سایر مراجع قضایی و غیرقضایی به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف - در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدید نظر آن استان است.

ب - در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضایی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر کرده است.

پ - در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیرقضایی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدید نظر استان ارسال می‌شود، تشخیص آن مرجع لازم الاتباع است.

تبصره ۵ - رأی دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان است:

الف - دعوای موضوع بند (۱) این ماده در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.

ب - موارد موضوع بند (۹) این ماده نسبت به دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد.

پ - موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده.

ت - موارد موضوع بند (۵) این ماده مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد.

ث - جنبه عمومی جرائم غیرعمدی موضوع بند (۹) در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد.

ج - جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها حبس درجه هفت باشد.

از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون شوراهای حل اختلاف به دعوای و جرائم مندرج در این قانون در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود و شورا صرفاً در امر صلح و سازش مطابق احکام این قانون اقدام می‌کند.

مشاوره حقوقی
کیفری | حقوقی | ثبتی | مواد مخدر | خانواده

آفتاب حقوقی

مدیر مسئول:
منصور مظفری
وکیل پایه یک دادگستری

زیر نظر **وکلا پایه یک دادگستری**

در سراسر کشور

یزد تهران

۰۹۱۳ ۱۵۱ ۵۲۱۰ ۰۹۱۲ ۲۹۹ ۱۷۹۶

درخواست طلاق به خاطر چشم و هم چشمی‌های همسر

دیگران را ندارند آنها یک دست لباس را چند بار می‌پوشند. خانواده امیر دوست ندارند من آرایش کنم تفریح و سفر بروم. مدام هم به امیر فشار می‌آورند که چرا همسرت اینطور رفتار می‌کند اینطور لباس می‌پوشد چرا ولخرجی می‌کند من هم تحمل آنها را ندارم. بهتر که طلاق بگیریم. من برای خودم که نزدیک به دو سال، عمرم را تلف کردم متأسفم. وقتی می‌توانم در خانه پدرم بهتر زندگی کنم آن هم بدون غرولند چرا باید با این مرد بمانم؟

کارشناس حقوقی

امیر حسین صفدری: این روزها مشکلات زوجین بر اثر دخالت‌های دیگران، نبود مسئولیت‌پذیری، مقایسه‌کردن، چشم و هم‌چشمی، نبود درک متقابل، نداشتن استقلال مالی و سواد کافی در رابطه بسیار زیاد شده است. در این پرونده مشاهده می‌کنید که امیر و سارا با دو فرهنگ خانوادگی متفاوت بزرگ شده‌اند که باید قبل از ازدواج به این مورد توجه می‌کردند و به نقاط مشترک می‌رسیدند بعد ازدواج می‌کردند اما ساده‌انگاری سبب ایجاد تنش در بین این زوج جوان شده است.

از طرفی امیر و سارا باید بدانند در زندگی مشترک با گفت‌وگو مشکلات را حل کنند و اگر مشکلی هم ایجاد شد از یک فرد متخصص کمک بگیرند نه اینکه نظر دیگران را الگوی خود قرار بدهند. آنها باید بدانند که بین زندگی متأهلی و مجردی تفاوت زیادی است و باید بر اساس واقعیت و شرایط حقیقی زندگی مشترک خود، برنامه‌ریزی داشته باشند.

سارا هم باید به این آگاهی برسد که هرگز زندگی مشترک خود را با زندگی مشترک دیگران مقایسه نکند. متأسفانه مقایسه کردن این روزها یکی از آفتهای مهم زندگی مشترک جوانان شده است. مخصوصاً مقایسه زندگی در فضای مجازی این روزها سبب ایجاد مشکلات زیادی برای جوانان شده است.

زوج‌های جوان باید بدانند اگر یک زندگی مشترک موفق می‌خواهند باید اساس آن زندگی را بر پایه تعامل، گفت‌وگوی محترمانه، درک متقابل، صمیمیت، وفاداری، صداقت، ازخودگذشتگی و... قرار بدهند تا طلاق عاطفی و به دنبالش جدایی ایجاد نشود. / ایران



سارا حتی به حرف خانواده خودش هم توجه نمی‌کند او مدام با دوستانش مشورت و از یکی‌شان الگوبرداری می‌کند. به‌نظرم فقط طلاق راه‌حل این مشکلات است چاره‌ای ندارم...!!

سارا که تا آن لحظه سکوت کرده بود و حرفی نمی‌زد توجه قاضی را جلب کرد پس از چند دقیقه قاضی رو به سارا کرد و گفت دخترم تو نمی‌خواهی حرفی بزنی؟ آیا حرف‌های همسرت را قبول داری؟

سارا نگاهی به ساعت گرانتیتم دور مچ دستش انداخت و گفت: آقای قاضی ما خانواده پولداری هستیم. امیر خیلی خوب می‌داند برای من مهم است که همه از ما تعریف کنند و زندگی من زیانزد خاص و عام باشد.

امیر با اعتراض حرفش را قطع کرد و گفت: جناب قاضی بهترین بودن که به پول و ظاهر نیست من فکر می‌کردم سارا می‌خواهد ما بهترین زوج از نظر عشق و محبت و زندگی مشترک در فامیل و دوست و آشنا باشیم نه اینکه دائم با خرج تراشی و خرید وسایل و لباس و ظاهرسازی خود را در چشم دیگران بهترین نشان بدهد. من پول این کارها را ندارم.

سارا گفت: به من چه ربطی دارد؟ می‌خواستی زن نگیری. اصلاً هم ربطی به دوستم ندارد به خود امیر بر می‌گردد آنها یک خانواده سنتی هستند و اصلاً تحمل دیدن پیشرفت

گروه حوادث: زن جوان وقتی با جواب منفی شوهرش برای انجام عمل زیبایی روبه‌رو شد به دادگاه رفت و درخواست طلاق داد.

چند روز قبل زوج جوانی با مراجعه به دادگاه خانواده خواهان جدایی از یکدیگر شدند. وقتی سارا و امیر مقابل قاضی نشستند مرد جوان گفت: جناب قاضی پدرم سال‌هاست که مغازه کوچکی دارد و پدر همسر من نیز کنار مغازه او یک فروشگاه لوازم خانگی دارد به واسطه همین همسایگی در کسب و کار من این خانم را چندباری در مغازه پدرش دیدم و بعد هم به خواستگاری رفتیم و ازدواج کردیم الان حدود ۲ سال است که با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنیم اما هر روز بدتر از دیروز و بیشتر از هم فاصله می‌گیریم الان هم که یک ماه است به خانه پدرش رفته و خانه را ترک کرده است. قاضی گفت: خوب مشکل‌تان چیست؟

امیر سری به نشانه تأسف تکان داد و گفت: من نمی‌دانستم همسر من تا این حد زن حسودی است و با همه حس رقابت و چشم و هم‌چشمی‌ها دارد. اوایل از لباس و وسایل خانه و مسافرت و طلا و... شروع شد حالا به عمل‌های زیبایی و مدل مو و آرایش و... رسیده است.

او مدام دنبال این است که در فامیل و بین دوست و آشنا چه کسی چی خریده یا کجا رفته یا چه کار کرده تا او هم همان کار یا بهترش را انجام دهد. من یک کارمند ساده هستم و نمی‌توانم از پس مخارج این خانم بربیایم. اگر هم مخالفت کنم و خلاف میلش حرف بزنم قهر می‌کند.

اوایل سعی داشتم خواسته‌هایش را انجام دهم اما وقتی متوجه بیماری حسادت و چشم و هم‌چشمی او شدم دیگر کوتاه نیامدم. الان چند ماه است که من دیگر به خواسته‌های او توجه نمی‌کنم. او هم مدام با من قهر می‌کند.

اما آخرین بار موضوعی که باعث شد به خانه پدرش بروم این بود که می‌گفت چند میلیون تومان به من بده بروم روی صورتم عمل زیبایی انجام دهم. اما من زیر بار نرفتم او هم قهر کرد و رفت از پدرش پول گرفت و عمل‌های زیبایی انجام داد.

آقای قاضی من دیگر نمی‌توانم این زن را تحمل کنم اصلاً برایش مهم نیست زندگی مشترک ما در حال نابودی است. الان نزدیک به ۵ ماه است که ما مشکلات مان خیلی زیاد شده است و من مجبور شدم دادخواست طلاق بدهم.

سامانه سوت‌زنی سازمان امور مالیاتی

عدم استفاده از دستگاه کارتخوان تفاوت بین نوع شغل درج شده روی رسید دریافتی از دستگاه کارتخوان با نوع شغل واقعی عدم صدور فاکتور صدور فاکتورهای غیرواقعی کم‌اظهاری درآمد به سازمان امور مالیاتی استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر استفاده از چندین دفتر یا نرم افزار حسابداری و...

ارتباط تلفنی با سازمان امور مالیاتی

همچنین مردم می‌توانند شکایات، پیشنهادها و سؤالات مالیاتی خود را از طریق سامانه ۱۵۲۶، مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی کشور مطرح کنند تا این موارد از سوی سازمان امور مالیاتی مورد رسیدگی قرار گیرد.

لازم به ذکر است سازمان امور مالیاتی صرفاً با دریافت گزارشات مردمی، فرد را متخلف اعلام نمی‌کند بلکه سازمان از طریق واحدهای اجرایی خود، در موضوع گزارش دریافتی بازدید میدانی انجام داده و آن را راستی‌آزمایی می‌کند.

نحو گزارش موارد مشکوک به فرار مالیاتی

شهروندان می‌توانند از طریق آدرس الکترونیکی فوق و مراجعه به بخش «ثبت گزارش جدید» موارد مشکوک به فرار مالیاتی را گزارش کنند. در صورت تمایل امکان ثبت گزارش به صورت ناشناس نیز وجود دارد.

روش‌های معمول فرار مالیاتی چیست؟

برخی از روش‌های معمول فرار مالیاتی عبارتند از: کسب درآمد و عدم پرداخت مالیات

سامانه سوت‌زنی یا سامانه جامع گزارش فرار مالیاتی، سامانه‌ای است که برای گزارش تخلفات فرار مالیاتی در نظر گرفته شده است.

سازمان امور مالیاتی سامانه‌ای به نام سامانه سوت‌زنی (سامانه جامع گزارش فرار مالیاتی) ایجاد کرده است تا مردم بتوانند از طریق این سامانه تخلفات فرار مالیاتی را در اختیار سازمان قرار دهند.

ورود به سامانه سوت‌زنی سازمان امور مالیاتی (گزارش فرار مالیاتی)

شهروندان با مراجعه به درگاه ملی مالیات به نشانی intamedia.ir/tax-fraud می‌توانند در قسمت ویژه «سوت‌زنی» با عنوان ثبت گزارش جدید، گزارش‌های خود را ارسال کنند و از پاداش ویژه آن که تا یک درصد مبلغ مالیات قطعی وصول شده خواهد بود بهره‌مند شوند.